



شماره ثبت: ۳۱۹۵

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	تولی من قبل الجائر.....
۲	مستثنیات.....
۲	روایت مهران.....
۲	بررسی روایت از لحاظ دلالت.....
۲	روایت نجاشی.....
۳	دسته‌بندی روایات.....
۴	جمع‌بندی گروه‌ها.....
۴	جمع‌بندی گروه چهارم و پنجم.....
۵	جمع‌بندی طایفه‌های اول و دوم و سوم.....
۵	نظر آیت الله تبریزی (ره).....



شماره ثبت: ۳۱۹۵

تولی من قبل الجائر

مستثنیات

روایت مهران

«وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ مِهْرَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَا مِنْ جَبَّارٍ إِلَّا وَ مَعَهُ مُؤْمِنٌ يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ وَ هُوَ أَقَلُّهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ يَعْنِي أَقَلَّ الْمُؤْمِنِينَ حَظًّا بِصُحْبَةِ الْجَبَّارِ»^۱

روایت تا مهران بن محمد بن ابی نصر معتبر است. ابی نصر یا ابی نصیر هر کدام باشند، محمد بن ابی عمیر از وی نقل کرده است. چون نقل محمد بن ابی عمیر را از کسی معتبر می‌دانیم، معتبر است. تنها کسی که مشکل دارد مهران است، اگر کسی نقل ابن ابی عمیر و بزنی را موجب توثیق بداند و به عنوان توثیق عام قبول کند، سند معتبر می‌شود.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

جمله «هُوَ أَقَلُّهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ» کراهت را بیان می‌کند. زیرا می‌گوید علی‌رغم جواز، صحبت جبار موجب نکوهشی است و دلالت بر کراهت می‌کند.

این روایت را عرض کردیم چون از بین آن ۴۰ روایت، مدلول متفاوتی داشت.

روایت نجاشی

این روایت را اشتباهاً بیان کرده‌اند که از کسی است. به صورت نادر، روایاتی وجود دارد که در رجال بیان می‌شود. این روایت نیز لحن متفاوتی دارد.

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۸۶



شماره ثبت: ۳۱۹۵

این روایت سند معتبر دارد. در این روایت تعریف‌ها و تمجیدهای فراوانی از کسی کرده است که در دستگاه برود و به مؤمنین کمک بکند. در این روایت نقطه‌ی مقابل روایت بالا ذکر شده است. حضور فرد را محترم می‌شمارد و تعریف‌ها و تمجیدهای متفاوتی می‌کند.

دسته‌بندی روایات

در بین روایات، روایاتی معتبر بود. این مطالب در سخنان شیخ آمده است، کمی بازتر در سخنان امام و شاگردانش بازگو شده است. روایات جمع‌بندی شده‌اند. و تقسیم‌بندی‌هایی شده است.

در تمام روایات، ورود به دستگاه و کمک به مؤمنین جایز دانسته شده است. اما روایات با اینکه نقطه‌ی مشترکی دارند، اما از نظر حکم متفاوت‌اند. یک نوع دسته‌بندی از لحاظ حکم است.

این به شکلی در کلمات شیخ (ره) بیان شده است. در سخنان امام (ره) و آقای سبحانی، بیشتر به این مطلب تأکید شده است.

روایات بر چند گروه تقسیم می‌شود:

۱. دلالت بر اباحه می‌کند. البته بعضی اباحه به معنای عام یا خاص است.
۲. دلالت بر استحباب می‌کنند. یعنی این کار، کار خوب و پسندیده‌ای است. از جمله همین روایت نجاشی است. در این روایت ورود در دستگاه به خاطر کمک به مؤمن را ستوده است و ثواب‌ها و اجرهای فراوانی را ذکر کرده است. بیان ثواب و نعم اخروی، حاکی از استحباب است.
۳. دلالت بر کراهت می‌کنند. روایت مهران یکی از این نمونه‌ها است. و حتی روایتی که می‌گفت قضاء حوائج اخوان، باعث برداشتن منقصت عمل می‌شود.
۴. دلالت بر وجوب می‌کند. مثلاً روایاتی که علی بن یقطين بیان کرده بودند. وی به امام (ع) می‌گوید: من خسته شدم. زیست تقیه‌ای کار دشواری است. علی بن یقطين اجازه خروج می‌گیرند اما امام (ع) اجازه نمی‌دهند و می‌گویند بمان. این بمان چون امر است، واجب است. البته باید بگوییم این حکم حکومتی است.



شماره ثبت: ۳۱۹۵

۵. دلالت بر حرمت می‌کند. روایت «قَالَ وَقَالَ الصَّادِقُ ع كَفَّارَةُ عَمَلِ السُّلْطَانِ قَضَاءُ حَوَائِجِ الْإِخْوَانِ»^۱ بنا بر احتمالی که بگوییم کفاره در جایی است که گناه باشد و ظاهر واژه کفاره، گناه است. در این صورت می‌فرماید ورود به سلطان حرام است و این کمک، آن گناه را کاهش می‌دهد. البته این احتمال را ما قوی ندانستیم. البته این روایت اعتباری نداشت.

جمع‌بندی گروه‌ها

این جمع‌بندی در سخنان امام (ره) نیز آمده است.

جمع‌بندی گروه چهارم و پنجم

تنها روایتی که وجوب را استفاده می‌کنیم، روایت علی بن یقطين است.

«عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ يُقَيْطِينَ أَوْ عَنْ زَيْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يُقَيْطِينَ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع أَنَّ قَلْبِي يَضِيقُ مِمَّا أَنَا عَلَيْهِ مِنْ عَمَلِ السُّلْطَانِ وَكَانَ وَزِيرًا لَهَاؤُونَ- فَإِنْ أَذْنْتَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ هَرَبْتُ مِنْهُ فَرَجَعَ الْجَوَابُ لَا أَذْنُ لَكَ بِالْخُرُوجِ مِنْ عَمَلِهِمْ وَاتَّقِ اللَّهَ أَوْ كَمَا قَالَ»^۲

این روایت چند نقل دارد. از این روایت نمی‌توانیم به عنوان حکم اولی استفاده وجوب کرد. این یک حکم حکومتی است. در نتیجه دلالت بر حکم اولی نمی‌کند.

در نتیجه در گروه چهارم، روایتی که بر حکم الهی بکند، وجود ندارد.

گروه پنجم که دلالت بر حرمت دارند، روایتی جز «قَالَ وَقَالَ الصَّادِقُ ع كَفَّارَةُ عَمَلِ السُّلْطَانِ قَضَاءُ حَوَائِجِ الْإِخْوَانِ»^۳ روایتی نداریم. کفاره را دو معنا کردیم، اگر احتمال اول را می‌گرفتیم، همان کراهت دارد. اگر احتمال دوم را بگیریم، باید بگوییم که سنداً اعتبار ندارد.

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۹۲

^۲ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۹۸

^۳ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۹۲



شماره ثبت: ۳۱۹۵

در نتیجه طایفه چهارم و پنجم را باید کنار بگذاریم و جمع‌بندی این‌ها وجود ندارد.

جمع‌بندی طایفه‌های اول و دوم و سوم

چیزی که باقی می‌ماند طایفه اول و دوم و سوم است.

در مورد کراهت روایات زیادی داشتیم و در این جلسه نیز روایتی را دال بر کراهت عرض کردیم. روایت نجاشی نیز دال بر استحباب دارد.

این جمع‌بندی در سخنان امام (ره) و شیخ (ره) نیز وجود دارد. سه لحن اباحه و استحباب و کراهت به نوع ورود شخص در دستگاه برمی‌گردد. گاهی شخص، برای تأمین زندگی خویش می‌رود، ضمناً جایی کمکی به مؤمنین می‌کند. در این نوع، قصدی وجود ندارد. نوعی غیرخواهی در وجود وی است و این امر باعث کمک به دیگران می‌شود.

گاهی نیز شخص، با قصد وارد دستگاه می‌شود تا پشتوانه‌ی مؤمنین بشود. گاهی نیز شخص هر دو امر را در نظر دارد.

روایاتی که کراهت را بیان می‌کند، مربوط به کسی است که برای زندگی رفته است ولی کمک می‌کند. یعنی قصد و نیت کمک نداشته است.

روایاتی که استحباب را بیان می‌کند، مربوط به کسانی است که با قصد و نیت کمک به مؤمنین رفته‌اند.

روایاتی که اباحه را بیان می‌کند، مربوط به کسانی است که هر دو قصد و نیت را دارند. یعنی هم معیشت و هم کمک به مؤمن را در نظر گرفته‌اند.

در نتیجه موضوع روایات متفاوت است.

نظر آیت الله تبریزی (ره)

حضرت آیت الله تبریزی (ره) مطلب را فنی‌تر بیان کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند، روایات کراهت، مطلق است. ورود به دستگاه حتی در صورت کمک را مورد کراهت قرار داده است. هدف شخصی، هدف اجتماعی و ترکیبی از این دو هدف، در روایت وارد نشده است. اما روایاتی که دلالت بر استحباب می‌کند، مقید است. یعنی اگر برای قصد و نیت رفته است، استحباب دارد.

در این صورت مطلق و مقید می‌شود. در جایی که قصد و نیت اجتماعی است، استحباب دارد و از کراهت بیرون می‌آید.



مؤسسه اشراق و عرفان

شماره ثبت: ۳۱۹۵